اخبار

عاملان نزاع و شرارت در اسفراین دستگیر شدند

نجفیان- عاملان نـزاع و شـرارت در کوهسـاران پارک قائم که منجر به مصدومیت پدر و دختری با ضربات چاقو شدند، دستگیر شدند. فرمانده انتظامی اسفراین با اشاره به جزئیات دستگیری عاملان نزاع و شـرارت در این شهرستان، گفت: ۲ عامل نزاع پنجشنبه شب با ایجاد رعب ووحشت به پدر و دختری که سوار خـودروی شان بودند، حمله ور شدند و با ضربات چاقو آنان را مصدوم کردند. سرهنگ «جاوید مهری» با اشاره به شناسایی ضارب و محل اختفای وی، به دستگیری متهم در عملیات غافلگیرانه ای اشاره و اظهار کرد: در تداوم بازجویی ها از ضارب که با همدستی یکی از دوستانش عامل رعب و وحشت در پارک اسفراین بودند، متهم ردیف دوم این حادثه هم شناسایی و در عملیات پلیسی مشترک پلیس امنیت عمومی و تیم تجسس کلانتری دستگیر شد.

کشف ۷/۷ کیلو مواد مخدر

نجفیان- فرمانده انتظامی اسفراین از کشف و ضبط ۷ کیلو و ۷۰۰ گرم مواد مخدر طی ۲ عملیات پلیسی خبر داد. سرهنگ «جاوید مهری» با اشـاره به جزئیات کشف و ضبط ۴ کیلو و ۲۰۰ گـرم مـواد مخـدر از نـوع تـریـاک در این شهرستان، گفت: با اطلاع از فعالیت یکی از توزیع کنندگان مواد مخدر، این مسئله در دستور کار پلیس مواد مخدر قرار گرفت که شناسایی محل اختفای متهم نخستین دستاورد فعالیت های فنی و پلیسی ماموران فرماندهی انتظامی بود. وی با اشاره به دستگیری یک متهم در یک عملیات غافلگیرانه و تحویل وی ضمن تشکیل پرونده به مقامات قضایی، افزود: در تداوم عملیات پلیسی، مقدار ۴ کیلو و ۲۰۰ گرم مواد مخدر از نوع تریاک که به طرز ماهرانه‌ای جاسازی شده بود کشف شد. وی با اشاره به کشف و ضبط ۳ کیلو و ۵۰۰ گرم مواد مخدر از نوع تریاک در دیگر عملیات پلیسی این فرماندهی انتظامی، افزود: اطلاع از هویت آشکار یک سوداگر مرگ، مسئله دیگری را در دستور کار پلیس مواد مخدر قرار داد که با تلاش های پلیس مبارزه با مواد مخدر این فرماندهی و با انجام اقدامات اطلاعاتی و پلیسی و رصد فعالیت افراد مظنون، موفق به شناسایی فرد مورد نظر شدند. فرمانده انتظامی اسفراین افزود: ضمن دستگیری متهم از محل اختفای وی، میزان ۳ کیلو و ۵۰۰ گرم تریاک کشف و ضبط شد که متهم بعد از انجام بازجویی و تشکیل پرونده به مراجع قضایی تحویل داده شد.

سرقت جواهرات در بجنورد

سارق یا سارقان به منزل یکی از اهالی شهرک امام خمینی (ره) دستبرد زدند و تمام طلا و جواهرات صاحب خانه را به یغما بردند. مرد مالباخته که به شدت از این اتفاق شوکه شده بود مدعی شد: سر شب بود که برای چند ساعت خانه را به اتفاق خانواده ام ترک کردیم. وی ادامه داد: زمانی که وارد خانه شدم دیدم اسباب و وسایل خانه به شدت به هم ریخته است. با دیدن وسایل به هم ریخته همسرم سریع به سراغ طلا هایش رفت اما دید که اثری از طلا و جواهراتش که ۲۰ میلیون تومان می ارزید نیست. بعد از این اتفاق پلیس را در جریان گذاشتیم تا شاید اثری از سارقان و اموال به سرقت رفته مان بیابیم. به گزارش خبرنگار ما برخی از اهالی شهرک امام (ره) می گویند طی یک ماه اخیر این چندمین بار است که سارق یا سارقان طلا و جواهرات آنها را به یغما برده اند.

پیروزی در زندگی پس از ۳ شکست

نجات از خاکسترنشینی

صدیقی

سرگذشت تلخی را داشته و دوران تلخ کودکی اش برای بچه هایش تکرار شد و از مقابل چشمانش رژه رفت. زنی که اکثر پیچ های تند و خطرناک زندگی سیاهش را همراه فراز و فرودهای زیادی سپری کرده است وقتی دفتر سیاه و تاریک زندگی گذشته اش را ورق می زند از هر ورق دفتر زندگی اش می شود یک کتاب از خاطرات و سرگذشت تلخش نوشت. زنی که به گفته خودش بعد از پشت سر گذراندن دوران توفانی و تیره و تار زندگی زاغه نشینی الان از زندگی اش به کاخ نشینی تعبیر می کند.

وی از سرگذشتش به واسطه اعتیاد سختش می گوید: در حاشیه شهر بیغوله نشین بودیم و به شدت در فقر دست و پا می زدیم. پدرم فوت کرده بود و مادرم هم به واسطه اعتیادش مدام در توهم سیر می کرد و اصلا کاری با من نداشت و توجهی به نیاز هایم نمی کرد. زن زخم خورده از روزگار در سن ۱۳ سالگی تن به ازدواج اجباری داده و دوران سختی را پشت سر گذرانده ، آن هم با شوهری که به گفته خودش سن پدر بزرگش را داشت. او ادامه می دهد: به خاطر شرایط سخت و ضعف مالی خانواده، مادرم من را از سن ۶ سالگی به عنوان کارگر خانگی به یک خانواده سپرد و دوران و روزهای تیره و مبهم من بعد از آن شروع شد.

به جای مهر مادری از کارفرمایم به خاطر اشتباهات کودکانه ام کتک می خوردم و این ماجرا تا ۱۳ سالگی ادامه داشت. سرپرست من بدون نظر خواهی از خانواده ام من را به عقد یک پیرمرد در آورد و تا به خودم آمدم صاحب فرزند و مادر شده بودم. مادری که نه از مهرمادری چیزی می دانست و نه از خانواده اش خیری دیده و چیزی آموخته بود، چطور می توانست برای بچه هایش مادری کند و پناهگاه امنی برای آنها باشد؟

زن لاغر اندام با اندوهی از درد می گوید: شوهر پیرم بعد از مدتی فوت کرد و مجبور شدم بچه ها را به خانواده همسرم تحویل بدهم. زن نگون بخت بعد از فوت همسر سالخورده اش با یک فرد دیگر که جوانتر از شوهر قبلی اش بود ازدواج می کند اما او هم مثل خانواده اش معتاد و بی مهر بود.

او تعریف می کند: بعد از ازدواج دومم شوهرم به خاطر اعتیادش من را هم مجبور می کرد مواد مصرف کنم. در واقع زنگ دوران فلاکتم با ازدواج با این مرد بی عاطفه به صدا درآمد و هر روز با ادامه این زندگی بر صدایش افزوده می شد. از شوهر دومم هم صاحب ۳ فرزند شدم و روز به روز به خاطر فقر در فساد و اعتیاد فرو می رفتم. شوهرم تن پرور بود و من را در حضور بچه هایم مجبور به انجام کارهای خلاف می کرد تا هزینه نکبت بار موادش را جور کند و تن بی ارزشش را مدتی سر پا نگه دارد.

او با هر بار مقاومت در برابر خواسته های شیطانی شوهرش به شدت مورد ضرب و شتم او قرار می گرفت و این کار تا حد مرگ پیش می رفت. زن خسته از روزگار با چشمانی خیس از ادامه روزهای سیاه اش می گوید: داستان غم انگیز من با شوهر بی لیاقتم ۵ سالی به این منوال طول کشید. گویا سرنوشت دوران کودکی ام این بار برای دختر ۶ ساله ام تکرار شد و به خاطر زندگی سراسر زشت مان مجبور شدیم دختر معصوممان را به عنوان کارگر به یک خانواده بسپاریم. انگار تاریخ دوباره تکرار شد و سرنوشت تلخ کودکی ام مقابل چشمانم رژه می رفت. دختر بیچاره ام حدود ۳ سال در رنج و سختی در خانه آن خانواده به عنوان کارگر کار کرد تا این که آن خانواده از نگه داشتن دخترم خودداری کردند و خواستار برگرداندن او به ما شدند.

شوهرم به خاطر ضعف و فقر مالی آن را قبول نکرد تا این که آنان به ناچار دخترم را به بهزیستی سپردند و بعد از این ماجرا پسرم نیز به خاطر همین وضعیت به بهزیستی رفت. او ادامه می دهد: دیگر تاب و توان این زندگی نکبت بار و سراسر خفت را نداشتم و به شدت از نظر روحی و روانی به هم ریختم و بعد از مدتی از شوهر دومم جدا شدم.

زن تلخ کام که گویا سرنوشت تلخ و بیچارگی دست از سرش بر نمی داشت دوباره به خاطر دربه دری با یک نفر بدتر از شوهر قبلی اش که او هم اعتیاد شدیدی داشت ازدواج می کند و دوباره روز از نو و روزی از نو. زن دل چرکین از روزگار درباره ادامه ماجرا می گوید: شوهر سومم کارگر و معتاد بود و مجبور بودیم هر دو برای رفع نیازهای زندگی مان کار کنیم اما در این میان شوهرم از من سوءاستفاده می کرد و پس انداز من را خرج نشئه اش می کرد و تا جایی پیش رفت که او هم از من می خواست کارهای خلاف کنم تا هزینه سر سام آور اعتیادش را از این بیراهه تهیه کند.

زن درباره سرنوشت فرزند سومش چنین می گوید: فرزند سومم خیلی شیطنت و بازیگوشی می کرد تا این که روزی حین بازی دستش شکست و ما هم به خاطر ضعف مالی نتوانستیم هزینه درمان او را پرداخت کنیم و به ناچار مثل بچه های قبلی ام او را به بهزیستی تحویل دادیم.

زن در به در هر چند بعد از این اتفاقات سعی می کند خودش را از چنگال اعتیاد برهاند اما بعد از گذشت مدت کوتاهی دوباره در دستان اهریمن وسوسه انگیز اعتیاد گیر می کند و بعد از چند صباحی پاک شدن به دام اعتیاد می افتد. او تعریف می کند: وقتی دیدم که زندگی من در مدار خط فقر و اعتیاد می چرخد از شوهر سومم هم جدا شدم و این بار تصمیم گرفتم هر طوری که شده خودم را از چنگال اعتیاد خلاص کنم.

زمانی که به خاطر شرایط بد زندگی ام تحت حمایت یک نهاد دولتی قرار گرفتم از طریق آن نهاد با یک نفر که همسرش فوت کرده بود آشنا شدم و برای چهارمین مرتبه ازدواج کردم. زن تنها و زجر کشیده انگار با ازدواج چهارمش توانست از بستر اعتیاد و تلی از خاکستر و دود رهایی یابد.

او می گوید: با ازدواج آخرم انگار می توانم یک نفس راحت به دور از دود و آلودگی بکشم. شوهرم بعد از ازدواجمان مثل خودم پاک شده و صاحب خانه و زندگی است.

بعد از سالها در به دری و آوارگی این بار توانستم دوباره با حمایت شوهرم، بچه هایم را دور خودم جمع کنم و دوران سیاه گذشته زاغه نشینی ام را به زندگی الانم که مثل کاخ نشینی است مبدل کنم.

حادثه در شهر

شاطری که با روح اشتباه گرفته شد

شاطر نانوایی با بی موقع حاضر شدن مقابل در همسایه او را به شدت ترساند و مدتی او را خانه نشین کرد. به گزارش خبرنگار ما شاطر نانوایی زمانی که نیمه های شب با روپوش سفیدش برای گرفتن کبریت به همسایه اش مراجعه کرد مرد همسایه با دیدن مرد سفید پوش از ترس غش کرد. شاطر نانوا به تشریح ماجرا پرداخت و در این باره گفت: طبق معمول نزدیک به صبح بود که برای پخت نان به نانوایی مراجعه کردم. وی ادامه داد: زمانی که خواستم تنور را روشن کنم دیدم کبریت تمام شده است و به ناچار به خاطر دوری مسافت خانه ام با پوشیدن روپوش سفیدم به همسایه محل نانوایی مراجعه کردم. زمانی که مرد همسایه از خواب بیدار شد و جلوی در آمد به خاطر تاریکی هوا ناگهان با دیدن روپوش سفیدم با گفتن کلمه روح، ازشدت ترس از هوش رفت و غش کرد. بعد از این ماجرا مرد همسایه به خاطر شدت ترس مدتی قدرت تکلمش را از دست داد و خانه نشین شد. وی تصریح کرد: خانواده مرد به خاطر شناختی که از من داشتند و می دانستند که عمدی در کار نبوده است از شکایت از من خودداری کردند و شانس با من یار بود که بلایی سر مرد بیچاره نیامد.

خط زرد

پیشگیری از اعتیاد

این باور که هیچ مشکلی نباید در زندگی وجود داشته باشد، تلقی صحیحی از زندگی نیست زیرا زندگی قرین با ناآرامی، رنج و اضطراب است و باید توجه داشت که قدرت حل مشکل برخلاف تصور عموم مردم فقط جنگ با مشکل نیست، بلکه بسیاری از مواقع ساختن با مشکل و مدارا کردن و تحمل آن یک راه حل است و در بسیاری از مواقع، راه حل فرار از آن استرس یا پیدا کردن راه های دور زدن آن استرس است.

انطباقی ترین شیوه حل مشکل، توان کسب مهارت های حل مشکل است و غیر انتخابی ترین و غیر نرمال ترین آن سوء مصرف مواد و نتیجه وابستگی به آن ماده است.

شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر خراسان شمالی

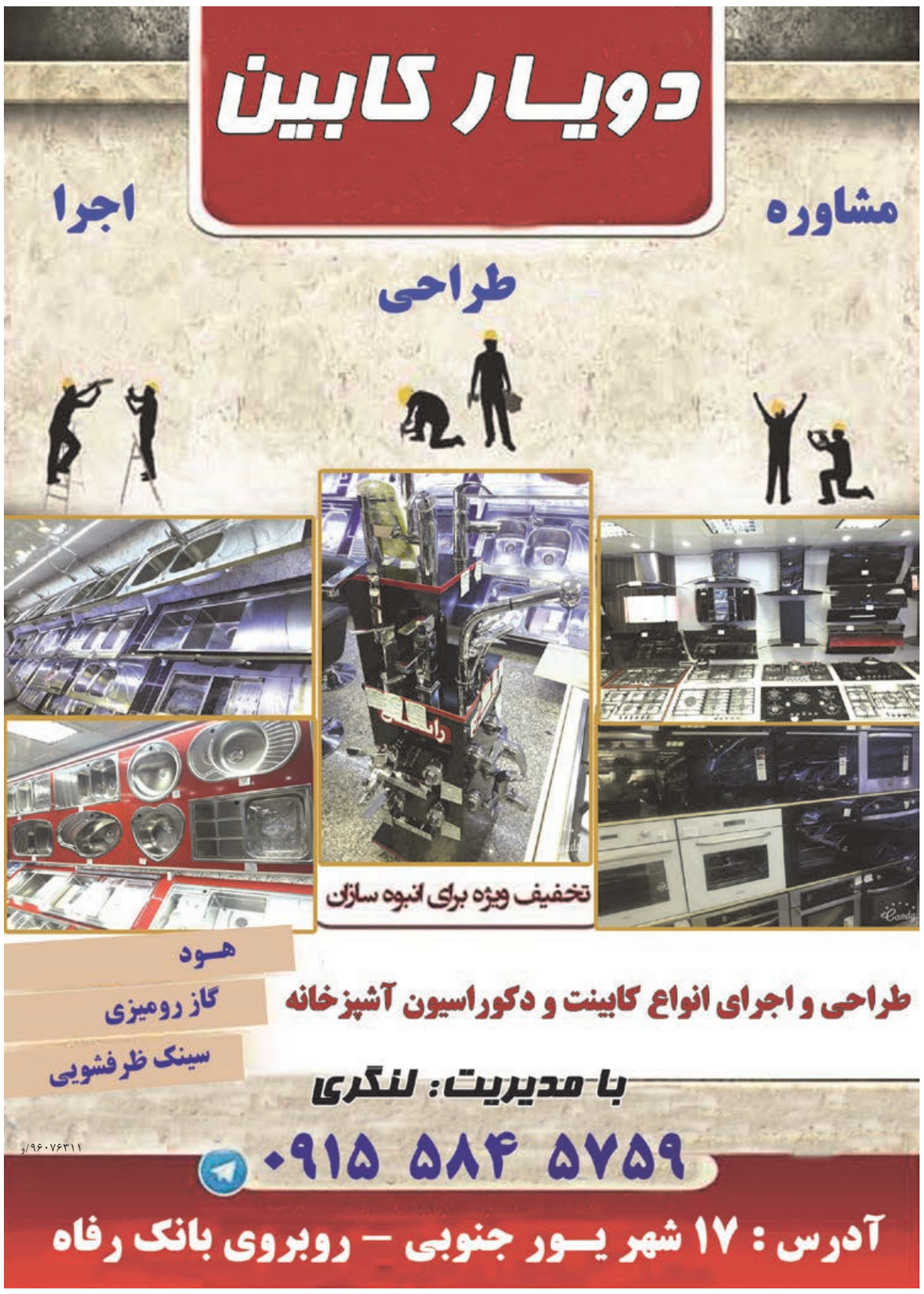

تحلیل های روز را رصد کنید
www.Rasad.org
پایگاه تحلیلی دفتر پژوهش روزنامه خراسان

دعوت به همکاری
به تعدادی آقا یا خانم برای پست مدیریت فروش و بازاریابی در شیروان نبش جمهوری ۱۴ نیازمندیم.
۰۹۳۳ ۳۸۵ ۷۸۶۵
۹۶۰۸۲۰۱۸/و

فراخوان شرکت پیشتازان تدبیر آرمان پویا
بجنورد به شماره ثبت ۵۱۹۴
به کلیه نیروهایی که قرارداد همکاری بسته اند جهت تسویه حساب خود به شماره ۰۹۱۵۸۰۸۴۳۰۱ تماس حاصل فرمایند.
۹۶۰۸۱۶۴۸/و

ورزش
صفحه ورزش را می توانید ۴ روز در هفته در روزنامه خراسان شمالی بخوانید.

فروش زمین
ملک مسکونی در شیروان به مساحت ۸۰۰۰ مترمربع درمحدوده شهری بعد از مسکن مهر – کوی وحدت حاشیه ۳۵ متری – ۲ ممر عام
قیمت توافقی
۰۹۱۵ ۷۹۰ ۰۲۳۱ - ۰۹۱۵ ۸۰۵ ۹۰۴۵
۹۶۰۷۵۶۵۸/و

مبلمان یکتا
تعویض رویه انواع مبلمان
سلطنتی (استیل)
تمام چرم
راحتی
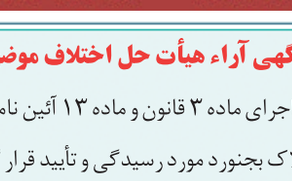
گوهری: ۹۶۰۷۳۱۵۹/و
۰۹۱۲۰۲۷۴۷۹۵ - ۰۹۱۵۲۶۱۷۶۵۶

آگهی آراء هیأت حل اختلاف موضوع ماده یک قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی

در اجرای ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه اجرایی قانون یاد شده اسامی افرادی که اسناد عادی یا رسمی آنان در هیأت مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک بجنورد مورد رسیدگی و تأیید قرار گرفته جهت اطلاع عموم در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز در دو نشریه آگهی های ثبتی (کثیرالانتشار و محلی) به شرح ذیل آگهی می گردد: **بخش دو بجنورد پلاک ۱۷۳- اصلی اراضی معصوم زاده**

* ششدانگ یکباب ساختمان دارای پلاک ۱۴۷ فرعی از پلاک ۱۷۳ اصلی فوق به مساحت ۲۱۲/۳۶ مترمربع ابتیاعی آقای عیسی گلشنی از محل مالکیت ثبتی فریدون علیداد فرزند محمد علی برابر رأی شماره ۱۸۷۴-۱۳۹۶ مورخه ۱۳۹۶/۴/۸ کلاسه ۰۸۷۰-۱۳۹۵ هیأت دوم

لذا بدین وسیله به فروشندگان و مالکین مشاعی و اشخاص ذینفع در آرای اعلام شده ابلاغ می گردد چنان چه اعتراضی دارند باید از تاریخ انتشار آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترضین باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نمایند و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهند. در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه ننماید اداره ثبت مبادرت به صدور سند خواهد نمود. ضمناً صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود. **تاریخ انتشار نوبت اول: ۹۶/۰۴/۲۵**

علیخان نادری – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک بجنورد

۹۶۰۶۹۴۸۲/و

۹۳۴۲/م الف